

جمشید مهرپویا

شناخت هنرهای سنتی ایران

## سفال، کاشی، سرامیک

بررسی هنر سفالگری، کاشیکاری

و سرامیک سازی ایران و جهان در دوران پیش

از اسلام

گلدان سفالی سه شاخه. بیشتر اشیاء سفالی مکشوفه در هنگام حفاری به علت فشار خاک و جابه جایی می شکند. مکشوفه از سرامیک.

□ برای شناخت هنر سفال، کاشی و سرامیک<sup>۱</sup> در دوران اسلامی و بررسی چند و چون این هنر سنتی و علل شکوفایی آن از آغاز اسلام تا کنون، نگاهی به تاریخ پیدایش، رشد و تطور و ماندگاری این بخش از هنرهای سنتی در دوران پیش از اسلام، ضروری می نماید.

در بخش اول مقاله، بیشتر به بررسی هنر سفال، کاشی و سرامیک در جهان و ایران پیش از اسلام پرداخته شده است و در بخش دیگر مقاله که بعد از این منتشر خواهد شد، این هنر را در دوران اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد و در پایان، مصالح، ابزار، ساخت و ساز، زیباشناسی و واژه نامه این هنر سنتی را تقدیم خوانندگان گرامی خواهیم نمود.

در بررسی جهانی سفال، کاشی و سرامیک تعمداً به کشورهای پر دایخته شده است که به نحوی از انحاء در هنر زیاد شده کشورمان مؤثر بوده اند و از سویی انتخاب عنوان «سفال، کاشی و سرامیک» برای مقاله حاضر، تلفیق و آمیزش واژه های سفال، کاشی و سرامیک از جانب صاحب نظران، پژوهندگان هنرهای ایرانی با هم بوده است، به طوری که تفکیک هر یک از آنها به آسانی امکان پذیر نیست و از طرفی علاوه بر ارتباط لغوی این سه واژه، از نظر شکل پذیری ظاهری و ساخت و ساز این هنر نیز بنظر می رسد گزینش این عنوان برای مقاله، معقول و منطقی باشد.

□ در یک کارگاه سفال، کاشی و سرامیک، گِل مایه زندگی است و رنگ و نقش، دستاوردی برای حرمت به هنر. این حرمت را به پاس تلاش هنرمندان گمنام سفالگر و کاشی کاری داریم که



پیدایش این هنر سنتی اتفاق نظر نیست و حدود ۷ تا ۱۰ هزار سال پیش از این زمان آغاز ساخت اشیاء سفالی ذکر کرده‌اند. «جی گلاک»<sup>۳</sup> می‌گوید:

«صنعت سفالگری را گویا نخست بار در حدود ده هزار سال پیش زنان اختراع کردند، از صنایعی که با افزودن مواد گوناگون به یکدیگر بدید می‌آید و جنبه سازنده دارد. سفالگری، پس از سبدهافی، کهن‌ترین است زیرا قدیمی‌ترین سفالینه‌ای که تاکنون شناخته شده است روی آن را از گِل پوشانده و پخته‌اند و شاید به تصادف، بیش از اندازه نزدیک کوره گذاشته‌اند. بسیاری از انواع کوزه‌ها و سفالینه‌های روزگاران نوسنگی و مس، نی‌ها یا ترکه‌هایی در خود دارند که احتمالاً بجای ریمان بکار می‌رفته و نشانه آن است که سفالگری اصلاً از فن سبدهافی بدید آمده است.»<sup>۴</sup>

«موریس دوما»<sup>۵</sup> معتقد است که:

«سفالگری در زمان‌های بسیار دور ایجاد شده است. تاکنون مدرکی بدست نیامده است که تعیین کند برای نخستین بار کسی و کجا خاک رس را به قالب ریختند و آن را پختند. مع‌ذلک در پرتو اطلاعات کنونی به نظر می‌رسد که پیدایش سفالگری، قدیمی‌تر از ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد نبوده است. دربره قدیم امکان دارد که این صنعت در دوره نخست کشاورزی در خاور نزدیک آغاز گردیده باشد.»

«دوما» نتیجه‌گیری می‌کند:

«اختراعات طی یک سلسله از اتفاقات پدید

در گوشه و کنار این سرزمین - بی‌هیچ توقع - در شکوفایی و ماندن این هنر سنتی سهم والایی دارند. این آفرینشگران ارجمند هنر، طرح‌ها و نقش‌های دلپذیرشان را بر روی سفال جان می‌بخشند، می‌سازند و با زندگی پیوند می‌دهند. بی‌تردید سفال، کاشی و سرامیک یکی از ماندگارترین میراث فرهنگی کشورمان است.

بشر وقتی موفق به کشف راز سفت شدن خاک در اثر حرارت گردید، به ساختن اشیاء مختلف از سفال همت گماشت. ظرف سفالی به خاطر این به وجود آمد که نیازمندی‌های زندگی را برآورده سازد. در روزهای نخستین نه به‌عنوان یک اثر تزئینی بلکه به‌صورت یکی از بهترین وسایل رفع احتیاج از سفال‌سازی استفاده شد و بتدریج طبع هنردوست و هنر پرور بشری با توجه به پیشرفت دامنه دانش و شناسایی مواد اولیه گوناگون سرامیک، سطح خارجی ظروف و لوازم سفالی را تزئین نمود. نقش و نگار و لعاب و طرح‌های بدیع، تنها برای زیباتر کردن یک وسیله زندگی بوده است و هرچند به هنگام ساخته شدن به قصد یک اثر هنری ساخته نشده بود، اما سرانجام این نیاز ساده مبدل به یک شیء و تحسین برانگیز هنری گردید و چنین شد که هنر از زندگی مایه گرفت و در آن ریشه تنومند بست.

### سفالگری در جهان

این را باور داریم که در همه جهان، انسان ابتدایی، ظروف خود را از گل می‌ساخته است، از این رو، در بیشتر جاها، سفالگری کهنترین و رایجترین هنرها بوده است<sup>۲</sup> ولی درباره تاریخ

می آیند و تاریخ دقیق پیدایش آنها را هرگز نمی توان یافت، زیرا هر بار در یک محیط صنعتی مستعد تحقق می یابند. بنابراین بهتر است در پی یافتن محیط های مساعد اختراع باشیم تا این که بدون دردست داشتن هیچ گونه مدرکی صرفاً بر پایه تخیل، تاریخی برای آنها قائل شویم. سفالگری هنگامی آغاز شد که می توانست بوجود آید؛ یعنی در دوره نخست کشاورزی یا کشاورزی اولیه که اقامت کم و بیش وجود داشت از گل، ظرف هایی می ساختند و غلات را انبار می کردند. چنین محیطی در هزاره های هفتم تا پنجم در خاور نزدیک وجود داشت و در پرتو جدید در دوره ای کمی اخیرتر در منطقه بین کالیفرنیا تا پرو نیز شرایط بسیار مشابهی وجود داشته است.<sup>۶</sup>

در یک بررسی کلی می توان گفت: هرگاه عصر «پارینه سنگی اخیر» را که مشخصه عمده آن، پدیداری هنر است پشت سر بگذاریم و به حدود پانزده هزار سال پیش که عصر «میانه سنگی» است و فصل تصویرنگاری تلقی می شود، رها سازیم، در عصر نوسنگی که حدود هفت هزار سال پیش از میلاد آغاز گردید، رذ پایبندی از هنر سنتی سفالگری را خواهیم یافت. در این عصر دگرگونی های اساسی در جهات زندگی و فرهنگ مردم و اندوخته های دانش بشری روی داد که از آن جمله پیدایش هنر نساجی و اختراع ظروف سفالین بود. ظروف سفالین در این عصر سودمندی های گوناگون داشت و گام بزرگی بود که این عصر را از روزگاران پیشین ممتاز جلوه گر سازد. انسانهای این دوره، ظروف سفالینی

می ساختند که به علت عدم آشنایی آنان با پخت و درجه سفت شدن گِل زودشکن و بی دوام بودند؛ اما عملاً برای ساکنین روستاها پیشرفت محسوب می شد. از این سفالینه ها شبانان و کوچ نشینان به علت زودشکنی و کم دوامی بهره ای نمی بردند و تمایلی به ساخت آن ها نشان نمی دادند. بهرحال آنچه که از آن دوره باقی مانده است مدارک و اسناد ارزنده ای از تمدن و فرهنگ جوامع بشری بشمار می آیند.<sup>۷</sup>

«پی بر روسو»<sup>۸</sup> پیدایش سفالگری یا کوزه گری را مربوط به عهد حجر جدید که در واقع ۱۹۰۰ قبل از میلاد است مرتبط می داند.<sup>۹</sup> در صد قرن یا ده هزار سال عهد مزبور ترقی فنی چشمگیری حاصل شد. صیقل دادن سنگ، زراعت، گله داری، کوزه گری و ساخت انواع ظروف و فن خانه سازی چیزهایی بود که در این عهد بوجود آمد.<sup>۱۰</sup>

«هربرت رید»<sup>۱۱</sup> تحلیلی دلپذیر از سفالگری اولیه دارد:

«سفالگری ساده ترین و درعین حال دشوارترین هنرهاست. ساده ترین، از آن جهت که بدوی ترین هنرهاست و دشوارترین از آن جهت که انتزاعی ترین هنرهاست. از لحاظ تاریخی، سفالگری در شمار قدیمی ترین هنرها قرار دارد. نخستین ظرفها را انسان از گل خامی می ساخت که از زمین درمی آورد و آن را برابر خورشید و جریان باد خشک می کرد. حتی در آن زمان هم، پیش از آن که انسان صاحب خط و سواد شده باشد، پیش از آن که ادبیات و دیانتی داشته باشد، این

اماکن تاریخی مصر، نشانگر و مبین این ادعاست. با وجود این که مواد خام این هنر سنتی در مصر وجود داشته، مع ذلک مرغوبیت آثار برجای مانده به پای آثار یونانی نمی‌رسد. سفالهای معمولی مصر قدیم، زرد، قرمز و تیره و با مقداری ناخالصی‌ها مخلوط است. این سفالینه‌ها خوب پخته نشده و بندرت لعاب داده شده است.<sup>۱۵</sup>

حفاری سفال در ماریک

هنر را داشته است، و ظرف‌هایی که در آن زمان ساخته شده‌اند، هنوز هم با قوت بیان خود، ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. وقتی که آتش کشف شد و انسان آموخت که ظرف‌های خود را سخت و بادوام بسازد، و وقتی که چرخ اختراع شد و سفالگر توانست وزن (ریتیم) و حرکت فرارونده را به تصویری که از صورت داشت علاوه کند، آن وقت همه ضروریات سفالگری که انتزاعی‌ترین هنرهاست فراهم شد. این هنر از آغاز ساده خود یک تکامل طولانی را طی کرد تا آن که در قرن پنجم پیش از میلاد به صورت هنر نمونه حساس‌ترین و متفکرترین قومی که جهان بخود دیده است، درآمد...»<sup>۱۲</sup>

پس از بررسی ریشه‌های پیدایش هنر سفالگری، شناخت کانون‌های نشو و نمای این هنر لازم می‌نماید: «جی گلاک» دره مکزیک، مناطق سرخپوستان آمریکای شمالی، شمال تایلند، بخش‌هایی از آفریقای شرقی و در ایران بلوچستان، کردستان و گیلان و سرانجام ژاپن را مناطق اصلی ظهور سفالگری می‌داند.<sup>۱۳</sup>

«استاد غلامحسین مصاحب» علاوه بر آسیا، اروپا و آمریکا، به اسناد تاریخی و ادبی تمدن آشور به صورت لوحه‌های سفالینی که از خرابه‌های نینوا بدست آمده اشاره دارد و از میان سفالینه‌های قدیمی ظروف فنیقی، رودسی و اتروسک را نام برده است. بدون تردید روم، چین و مصر نیز در گسترش هنر سفالگری مؤثر بوده‌اند.<sup>۱۴</sup>

... مصریان در دوره امپراتوری باستانی از ظروف سفالین در مقیاس وسیعی استفاده می‌کردند، آثار باقیمانده از سفالهای شکسته در



در یونان باستان، فن سفال سازی به منتهای درجه کمال خود رسید و از حیث نقش، خمیرمایه و لعاب به حد ممتاز نایل آمد، ولی به طور کلی این امر تا اوم چندانی نیافت و ساخت و ساز ظروف منقش در آن سرزمین تا قرن اول قبل از میلاد بیشتر ادامه پیدا نکرد، زیرا جزیره کرت و سواحل دریای مدیترانه در ضمن داد و ستدهایی که با بین‌التهرین به ویژه با ایران داشتند به خرید سفالینه‌های ساخت ایران که از راه آسیای صغیر

مجسمه قوچ سفالی فرمز رنگ - طول ۳۵ سانتی متر، ارتفاع ۳۶ سانتی متر - مارلیک.

به دست می آمده است تمایل بیشتر نشان دادند، چندان که اندیشه و هنرغنی سرزمین کهنسال ایران را می توان بر روی کوزه‌هایی که به سبک هندسی در آتن تهیه می شده، باز شناخت<sup>۱۶</sup>. طرز ساخت کوزه‌ها و گلدان‌های یونانی تفاوت چندانی با دوره‌های بعد نداشت، آلا این که تصاویری از سبک‌های ایرانی را در آنها می توان مشاهده کرد. تصاویری در دست است که شاگرد کوزه‌گر به ساخت ظروف مورد نیاز



پژوهش‌های انسان‌شناختی و مطالعات فرسنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اشتغال دارد.

هستند. از این نوع کوره‌های متعلق به دورهٔ  
پونیک<sup>۱۹</sup> (۲۶۰-۱۴۶) در کارتاز کشف  
شده‌اند.<sup>۲۰</sup>

خلاصه این که در زمان اوج اعتبار  
کارگاههای سفال‌سازی یونان، ظروف زینتی در  
ایران از سیم و زرو یا سنگ مرمر ساخته می‌شد و  
توجهی به پیشرفت این هنرنمی‌شد. دوران  
درخشش واقعی ظروف سفالین ایران قریب  
یکهزار سال بعد از این دوران طلایی یونان آغاز

آبخوری سفالی خاکستری مایل به سیاه - دوره اشکانی - مشگین شهر. «موزه ملی ایران».

قرون پنجم و چهارم پیش از میلاد مصادف با  
درخشانترین دوران تمدن یونان در زمان زمامداری  
پریکلئیس بود. در این عهد، اجرای سبک‌های  
مختلف با نقوش قرمز رنگ آغاز شد و پرده‌های  
نقاشی بر روی سفالینه‌ها نمودار گردید. از نیمهٔ  
قرن پنجم پیش از میلاد مسیح توجه خاصی نسبت  
به بیان حالات درونی اشخاص و نمایش آداب و  
رسوم معطوف شد<sup>۱۷</sup>.

«دوما» می‌نویسد:

«در آغاز سدهٔ سوم پیش از میلاد بود که  
چرخهای بایی رواج یافت. در شکل کوره نیز  
تحوّل جزئی ایجاد شد. تابلوهای متعدد  
کوزینتی و آثاری که در اثر حفاریات در ناحیهٔ  
آگورا در آتن (سده‌های هفتم و هشتم) و در  
ناحیهٔ مگارا هیبلانه<sup>۱۸</sup> در سیسیل (سده  
ششم) بدست آمد، این ادعا را تأیید می‌کنند.  
اینها کوره‌های استوانه‌ای و طبقه‌ای بودند  
که در طبقهٔ بالا که سقف گنبدی داشت،  
گل را می‌بختند و طبقهٔ پایین که اجاق کوره  
بود از یک طرف دهانهٔ پیش‌آمده‌ای داشت و  
سقفی ضربی آن را از طبقهٔ بالا جدا  
می‌ساخت. گاهی یک میل مرکزی، سقف  
وسط را نگاه می‌داشت. این کوره دارای  
هیچ بادگیری نبود و قطر آن بین ۱ تا ۱/۵ متر  
بود و تنها در شروع سدهٔ پنجم پیش از میلاد  
بود که کوره‌های بسیار بلند (۴/۵ متری محلهٔ  
کرامیکوس آتن)، که گاهی مستطیل بودند،  
رواج یافتند. در دورهٔ هلنیستی شاهد پیدایش  
کوره‌های تکامل یافته‌ای هستیم که دارای  
لوله‌هایی برای ورود هوای گرم به کوره  
می‌باشند که طلایع مدلهای کورهٔ رومی



مجسمه سنالی گردونه سوارستان قهرمانگ که سطح آن صیقل خورده و دغدار شده است؛ دو است که بر روی چهار چرخ نصب گردیده اند و تشکیل گردونه را می دهد. گردونه سوارها پس است به حالت ایستاده مستقر گردیده و خنجری در کمر گردونه سوار مشاهده می شود. طول ۲۶/۵ سانتی متر.

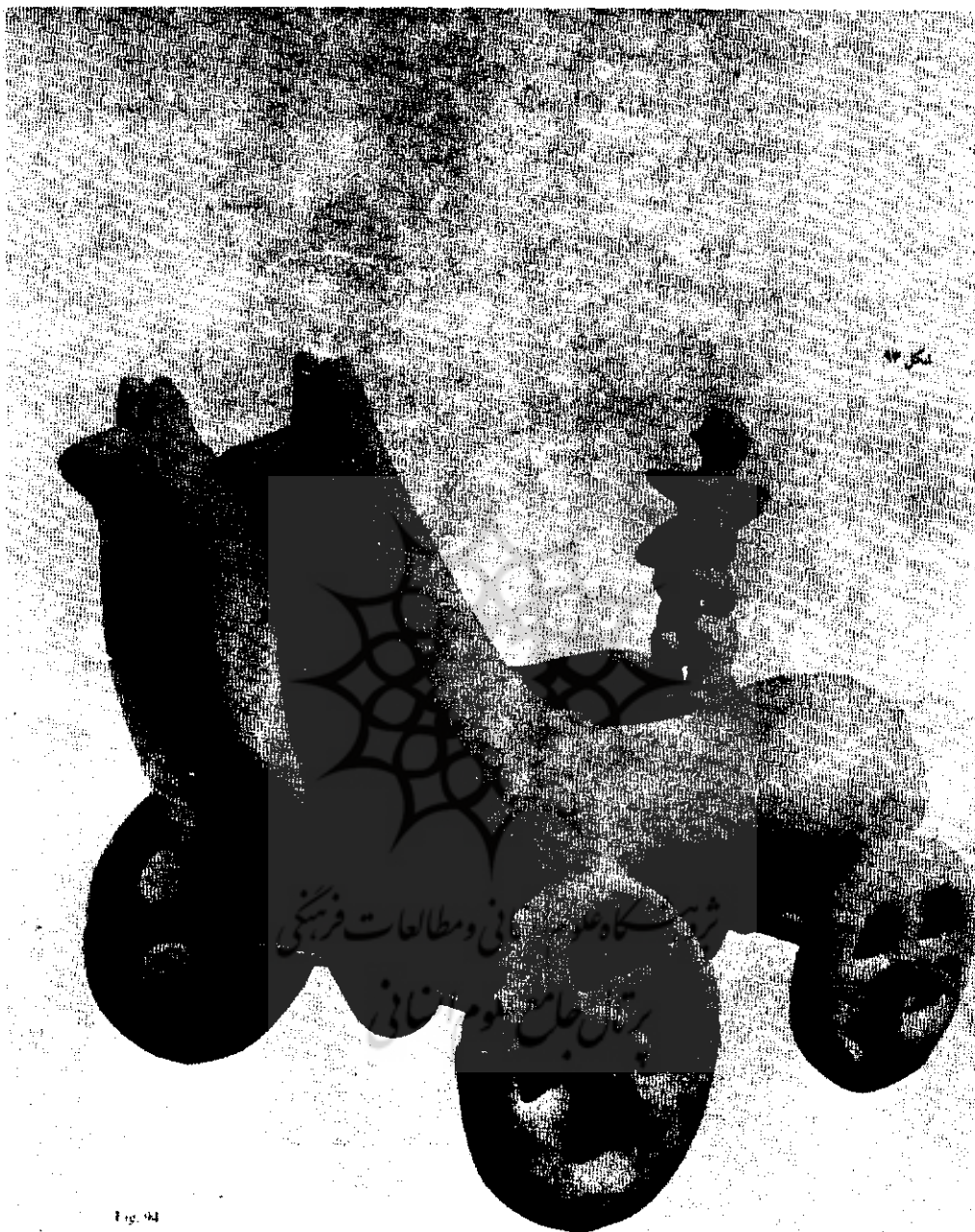
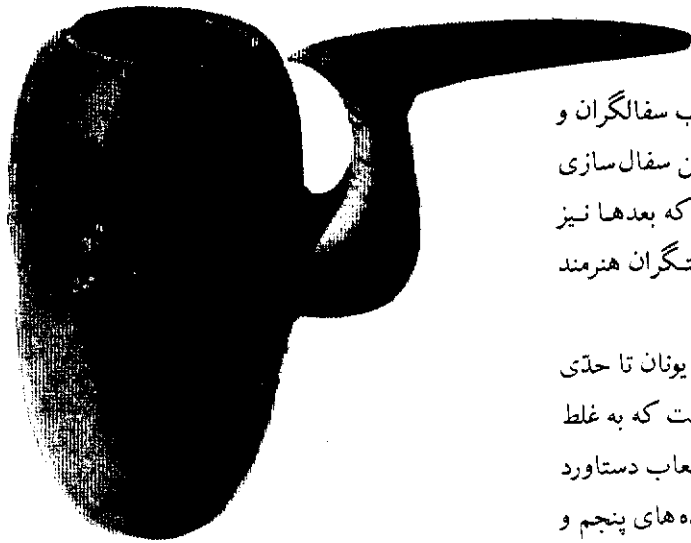


Fig. 94



شد و پیشرفت‌های ارزشمندی نصیب سفالگران و کاشیکاران ایران گردید. تکمیل فن سفال‌سازی ایران به قدری با پیشرفت توأم بود که بعدها نیز سفالگران یونانی به گرد پای صنعتگران هنرمند ایرانی نرسیدند.<sup>۲۱</sup>

ارزش هنری صنایع سفالین یونان تا حدی مدیون لعاب سیاه و براق آنهاست که به غلط (لعاب آتیک) نامیده می‌شود. این لعاب دستاورد تکنیکی اعجاب‌آور بوده و در سده‌های پنجم و چهارم قبل از میلاد به اوج خود رسیده است. قالبگیری و تکثیر سفالینه‌ها که در روش مهم در سفالگری است از همین زمان آغاز شد و قرن‌ها دوام داشت.<sup>۲۲</sup>

\*

در روم، یک قرن قبل از میلاد تا چهار قرن بعد از میلاد سفالگری رونق داشت.<sup>۲۳</sup> تکامل تمدن روم، کمک چندانی به رشد سفالگری نکرد. سفال‌هایی که از روم بدست آمده، فاقد ارزش هنری است و بیشتر به مصرف روزمره می‌رسیده است. بررسی انواع چرخه‌های کوزه‌گری، قالب‌های برجسته، مهرها، تراش‌ها، نقاشی‌ها و اندود سفال‌ها، نشانی از پیشرفت هنر سفالگری طی قرن‌های یاد شده ندارد. در روم ظروف معمولی سفال با قالب‌هایی ساخته می‌شد که از داخل تراش می‌خورد و سپس منقش می‌شد. کارگاه‌های ارتسو<sup>۲۴</sup> نمونه‌ای از سفال‌سازان اوایل سده نخست میلادی بودند که چیزی به هنر سفال‌سازی نیفزودند. آسان‌پسندی،

ساده‌پنداری، تکرار طرح‌ها و نقوش لطیمات بسیاری به سفالگری روم وارد ساخت و حتی ساخت لعاب قرمز نیمه‌شفاف و تلاش صنعتگران معدود گراوفسنگ<sup>۲۵</sup> لزو<sup>۲۶</sup> در جهت اعتلای این هنر سنتی کاری از پیش نبرد. هنر سفال‌سازی روم تقلیدی از سفالگری عهد پیشین یونان بود.

در سده پنجم میلادی سفالین‌های خاکستری و قرمز که «ویزیگوتی»<sup>۲۷</sup> نام داشت و دنباله سفال‌سازی تمدن گل بود رونق یافت و حرکتی در سفال‌سازی روم پدید آورد.

کوره‌های دو طبقه سفال‌پزی روم دارای سه قسمت بود: طبقه زیرین اختصاص به اجاق کوره داشت و آتشدانی در جنب آن واقع شده بود. تیغه‌ای این طبقه را به دو بخش مجزا تقسیم می‌کرد، اتاق پخت روی آتشدان ساخته می‌شد، در سقف اتاق پخت نیز دریچه‌ای بود که وظیفه مکش هوای کوره را عهده‌دار بود. در نزدیکی شهر کاذیت<sup>۲۸</sup> نمونه‌ سالمی از این کوره باقی مانده



است. گفته شده است در هر کوره به طور متوسط ۳۰,۰۰۰ قطعه سفالی در هر نوبت پخته می شد.<sup>۲۹</sup>

سفالگری و چینی سازی یکی از هنرهای زیبای کشور باستانی چین بشمار می آید. سفالگران چینی با ظرافت بی نظیری لوازم غذاخوری و چای نوشی را از سفال می ساختند. «مرتضی راوندی» می نویسد:

«سفالگران چینی پس از آن که گل پخته را به اشکال مختلف درآوردند با پاره ای مواد معدنی می آمیختند و در معرض آتش قرار می دادند تا ذوب شود و به چینی شفافی تبدیل گردد. عده ای از محققین، قدمت سفالگری چین را به عصر سنگ یعنی سه هزار سال قبل از میلاد می رسانند.»<sup>۳۰</sup>

چینی ها، در سفالگری کشورهای مختلف آسیای تأثیرات فراوانی گذارده اند. از جمله کشورهایی که از این تأثیرگذاری برکنار نمانده اند می توان کشورهای ژاپن و کره را نام برد. از زمان پادشاهی سلسله «هان» (۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۰ میلادی) این تأثیر و الهام پذیری ادامه داشته است. در میان هنرهای سنتی چین، تأثیر

سفالگری بیش از سایر هنرها بوده است.<sup>۳۱</sup> از پیدایش دوران نوسنگی سفالگران چینی، سفالینه های رنگینی با نام «تسای تائو» می ساختند که در نوع خود از سایر مراکز خاور دور و آسیای جنوبی و اروپا پیشرفته تر بود. بعدها آثار سفالی سیاه رنگی که ضخامت آن ها از پوست تخم مرغ نازکتر و جلا و درخشش خاصی داشتند توسط صنعتگران چینی ساخته شد.

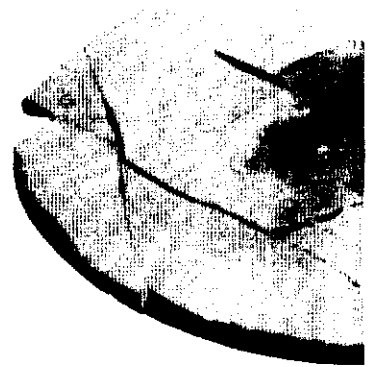
استادان و سفالگران چینی در قالبگیری و پخت این سفالها کوشیدند با کائولن رنگ سبزی معروف به «سلادن» را تولید نمایند و پیکره های حیوانات و مجسمه های خود تزیین نمایند. نمونه ای از مجسمه ها و پیکره های سفالین ایرانی همین دوره در اکناف و اطراف آسیای دور و در خاک ایران یافت شده است. در دوران سلطنت «هان» سفالهای بی لعاب

فقط با نقش قالبگیری شده و به تقلید از ایران، لعابزنی آثار سفالی، با رنگ‌های سبز و قهوه‌ای متداول گردیده است. البته در این مورد نظر قطعی نمی‌توان ابراز داشت، زیرا امکان دارد لعابزنی را از اقوام سلوکیه یاد گرفته باشند.

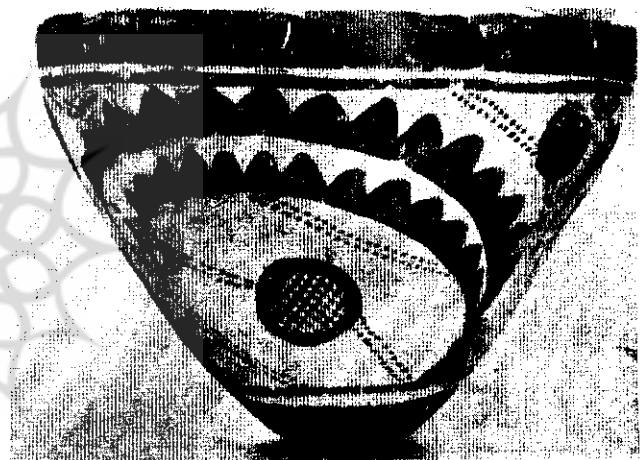
بی‌تردید وجود جاده ابریشم در انتقال فوت و فن سفالگری ایران به چین و بالعکس بی‌تأثیر نبوده است. استاد «مهدی بهرامی» معتقد است:

«... در ایران مدتها پیش از قرن سوم حتی از زمان کاسیت‌ها ۳۳ حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد استعمال لعاب روی ظروف سفالین معمول بوده و پیکره‌های سفالین شوش را با لعاب شفاف ضخیم سفیدرنگ آرایش می‌داده‌اند. پس احتمال قوی می‌رود که ساخت لعاب از طرف ایران به کشور چین سرایت کرده باشد.»<sup>۳۴</sup>

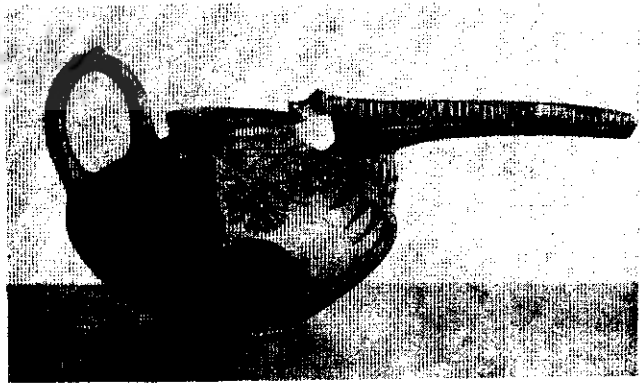
موریس دوما نظریه دیگری ابراز می‌کند و چنین به نظر می‌رسد وضع لعاب‌سازی در چین قدیم پیشرفته‌تر بوده است؛ لعابی که به کار می‌رفت از سیلیس بود که با ماده‌ای دیرگداز ترکیب می‌شده و ماده‌ای شفاف بدست می‌داده است. این لعاب در اثر حرارت جزو شیشه نمی‌شد و با لعابی که از فلیدسپات بسیار نرم ساخته می‌شد، تفاوت آشکاری داشت. این امر، یک اکتشاف بزرگ در امر سفالگری جهان محسوب می‌شود. سفالگران چینی دارای کوره‌های پخت سفال با دمای ۱۳۰۰ درجه سانتی‌گراد بودند که این دما از دمای کوره‌های اروپایی که بین ۹۰۰-۸۰۰ درجه سانتی‌گراد حرارت داشتند، بیشتر بوده است. در دوران سلسله‌های ششگانه چینی، سفالهایی با



طرف سفالی رنگی - مکشوفه از تپه نزدیک تخت جمشید (حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد)



ظرف سفالی - مکشوفه از تپه سیلک کاشان (مابقی تاریخ)



۱۹ متر ارتفاع داشت با آجرهای لعابی بسازند که این امر خود یکی از عوامل ترقی و گسترش سفالگری در دوران (مینگ) بوده است. سفالهای این دوره را به رنگهای سبز، قرمز، شنگرفی، قهوه‌ای، زرد و آبی تیره می‌توان در موزه‌های چین و سراسر جهان مشاهده کرد. گوناگونی رنگهای لعاب، بستگی به درصد ترکیبی اکسیدهای آهن و مس داشته است.<sup>۳۹</sup>

لعاب سبز سنگ یشم (ژاد) تهیّه و برجای مانده است.

در دوران (تانگ) سفالگری، به سوی چینی‌سازی گرایش یافت و کارخانه‌هایی در شهر کینگ‌ته‌چن<sup>۳۵</sup> جهت تولید چینی احداث شد. در دوران (سونگ) سفالگری و چینی‌سازی در کشور چین از تنوع بیشتر برخوردار شد. سفالگران چینی بعد از لعاب دادن ظرف، بر روی لعاب نقاشی می‌کردند و دوباره به کوره می‌فرستادند. شاید هنر میناسازی امروز از همان زمان آغاز شده باشد. این شیوه بعد از اسلام در ایران و اروپا رایج گردیده است.

در دوران (مینگ‌ها) سرامیک‌سازی به سوی میناکاری روی سفال کشیده شد و تجارب ارزشمندی از نحوه لعاب‌سازی، ساخت کوره‌های فرعی<sup>۳۶</sup> سفال‌های دو پخته<sup>۳۷</sup> بدست آمد. امپراتور هونگ‌وو<sup>۳۸</sup> دستور داد مصالح ساختمانی «برج چینی» معروف در نانکن را که



مجسمه گوزن سفالی قومزنگ - طول ۲۸ سانتی متر - ماریک.

چینی سازی هرگز به پای کشور چین نرسیده است.

سفالگری در قاره آمریکا بعد از مرحله کشاورزی یعنی مرحله اولیه یا باستانی (۳۰۰۰-۱۵۰۰ قبل از میلاد) همزمان با آموزش فن باغداری، سیدبافی و بافندگی آغاز شده است. امریکائیان از مراحل مختلف پیشرفت‌های جهان عقب مانده بودند و ناچار بودند برای بقای

رنگ اخراشی از خاکی رنگین، آبی از آهکی لاجوردی، سبز زمردین از پروتوکسید مس، رنگ شنگرفی از سولفور جیوه و رنگ سرخ از اکسید سرب تهیه می‌شد و از سفیدآب شیخ و یا صدف آهکی برای سفید کردن سود می‌بردند.

مناسبات ایران با چین در زمینه داد و ستدهای مربوط به سفال و چینی متجاوز از هیجده قرن به طول انجامیده؛ البته ایران در



قمقمه سفالی با لعاب خاکستری - دوره اشکانی - شوش. «موزه ملی ایران».



ساحل شمالی پرو که منطقه شاوین<sup>۴۳</sup> نامیده می‌شد، بوجود آمد. بعدها در جنوب غربی و جنوب شرقی نیز ساخت و ساز سفالگری رایج شد و شکل‌های ورزیدن گِل، یافت گِل، قالبگیری، تزئین، پخت، ساخت کوره و ابزار و مصالح کار و... پیشرفت محسوسی نمود<sup>۴۴</sup>.

★

پیش از ورود به بررسی سفالگری در ایران، لازم است دربارهٔ سفالگری بیزانس نیز صحبتی به میان آید. از سدهٔ ششم میلادی شیشه‌های کوچک دارو، عطردانها، حباب‌های چراغ‌های روغنی، شیشه‌های جام ظروف سرامیکی شامل جام، فنجان، بشقاب و کوزه بدست آمده که اینک در شهر راونا<sup>۴۵</sup> واقع در مرکز ایالت راونا

جامعه خود راه‌حلی را بیابند. سه تمدن بزرگ از تک<sup>۴۰</sup>، اینکا<sup>۴۱</sup>، مایا<sup>۴۲</sup> جریان‌های پیشرفته و متمدنی بودند که بعدها تمدن و پیشرفت‌های صنعتی جهان را بارور ساختند. به‌علت دورافتادگی قارهٔ آمریکا، سفالگری در این سرزمین از نفوذهای مختلف برکنار ماند و به‌زندگی خود همواره به‌تنهایی قرن‌ها ادامه داد.

سفالگری چون معماری، بافندگی، فلزگری و کشاورزی در هر ناحیه‌ای به‌طور جداگانه اختراع و رایج شد. اختراع هنر سفالگری در مکزیک به حدود ۲۲۰۰ قبل از میلاد می‌رسد. گسترش آن در امریکای مرکزی سریع بود و در (آند) مرکزی نیز وضع، کم و بیش بهمین متوال بود. در سال ۱۲۰۰ قبل از میلاد سفالگری در

ایتالیا نگهداری می‌شود. این آثار باقی مانده تمدن بیزانس را نشان می‌دهند. مردم این سرزمین سفالگری را می‌دانستند و حتی از قرن دوازدهم میلادی ظروفی سرامیکی را با گل سرخ و سفید می‌ساختند و لعاب می‌زدند. در همین دوران ساخت ظروف معروف به اسگرافیتو<sup>۴۶</sup> که نقش اندازی و برداشت رویه گل به شکل دلخواه پیش از لعاب‌زنی عملی می‌شد، رایج گردیده است.

همزمان با تمدن بیزانس، اسلام نیز به فن سفالگری و کاشی‌سازی جان دوباره‌ای بخشید که در مبحث بعدی بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

### سفالگری و کاشی‌کاری در ایران

سفالگری در ایران از مهمترین شعب هنرهای سنتی ایران بوده که از بدو آغاز تمدن تا به امروز ادامه پیدا کرده است و در طی این زمان بس دراز، تغییرات گوناگونی بخود دیده و چون طی تاریخ شریک و دوست روزهای شادی و بدبختی، خوشی و تنگدستی مردم این سرزمین بوده، لذا این هنر سنتی را چون آئینه‌ای می‌یابیم که اندیشه و تخیلات و خاطرات ایام مختلف را با نقش و نگارها، رنگ و لعاب‌ها همواره منعکس کرده است. هنری که می‌تواند با زندگی مردم یک سرزمین الفت دیرینه‌ای ایجاد نماید، برای همیشه پایدار خواهد ماند.

در کاوش‌های باستانی، ضمن خاکبرداری‌هایی که انجام می‌شود، باستان‌شناسان به اشیائی که با زندگی مردم الفت دارد، یعنی قطعات ظروف سفالین

برمی‌خورند. لذا برای بررسی تاریخ تمدن کشورمان، یافته‌های سفالی از دل خاک، به عنوان سند و مدرک معتبر تاریخی، همیشه مورد توجه بوده است. در یک نگاه گذرا به تاریخ می‌بینیم سفالگری ایران ارزش و منزلتی بی‌نظیر در سراسر جهان دارد و از لحاظ پیشرفت، ابتکار و تزیینات فقط با دو کشور یونان و چین قابل مقایسه است.

### سفالگری ایران در دوران‌های کهن

سفالگری از مهمترین و قدیمی‌ترین دست ساخته‌های بشری است. آثار سفالی برخلاف آثار یافته شده، فلزگری، چوبین و... در زیر خاک فاسد نمی‌شود، و به علت همین حالت استثنایی، به اطلاعات گویائی درباره آن می‌توان پی برد. در اثر کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی این امر مسلم شده است که در گذشته‌های بسیار دور چهار منطقه سفالگری در ایران وجود داشته است. آقای محمد یوسف کیانی می‌نویسد:

«این مناطق عبارتند از:

۱- منطقه غرب کوه‌های زاگرس نزدیک کرمانشاهان<sup>۴۷</sup>

۲- کرانه‌های جنوبی دریای خزر

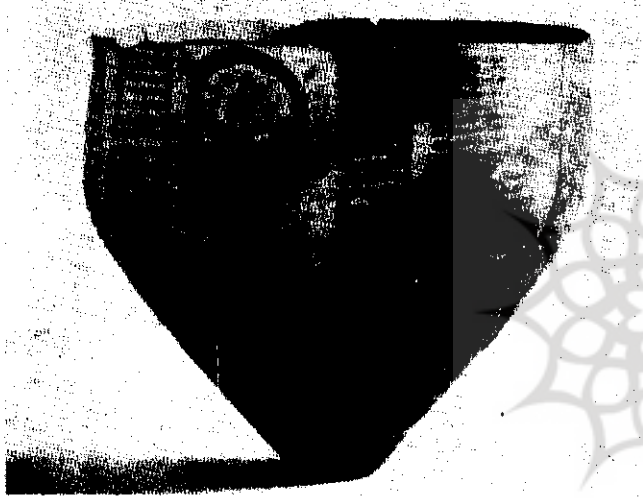
۳- شمال غرب آذربایجان

۴- جنوب شرق ایران

کاوش‌های جدید در حاشیه کویر و نواحی مرکزی ایران نیز نشان داد که در این ناحیه نیز مراکز ساخت سفال وجود داشته که قدمت برخی از آثار آن به هزاره هشتم قبل از میلاد

ساخت آنها تنوع و تزئین بیشتری یافت. تپه ای از دشت قزوین، حصار دامغان، سیلک کاشان، حوزه‌هایی از سفالگری و میراث فرهنگی باستان را ارائه داده‌اند. در حواشی شمالی، مرکزی و غربی کویر نیز سفالینه‌هایی مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد یافت شده که تاریخ مستندی از ارتباطات اجتماعی و اقتصادی سرزمینمان را باز می‌گویند.

از هزاره دوم نیز سبوها، کوزه‌ها، ظروف،



ظرف سفالی رنگی - تپه حصار دامغان - ماقبل تاریخ.

مجسمه با رنگ‌های قرمز، خاکستری، نخودی، آجری، سیاه کمرنگ با نقوش حیوانات، هندسی، کشف شده است. در منطقه گیلان (مارلیک، کلروزو املش) دو نوع سفالینه که دسته‌ای از آنها برای زندگی روزمره و دسته‌ای دیگر با مردگان دفن می‌شده، بر جای مانده است. گروه دوم سفالینه‌های این دوره مجسمه‌های شبیه انسان و حیوانات بوده که

در باره آغاز هنر سفالگری در ایران نیز اقوال گوناگونی ارائه شده و هر کسی با توجه به بضاعت مطالعات خود نقل قولهای مختلفی را ارائه داده است. این قدمت از هزاره هشتم تا هزاره پنجم قبل از میلاد - بدون هیچگونه اتفاق نظر - پیش بینی گردیده ولی به نظر می‌رسد که قول آقای کیانی مستندتر و قابل قبولتر باشد چرا که این محقق، اشیاء سفالی بدست آمده از «گنج دره» واقع در منطقه غرب باختران و سفال‌های غاری در جنوب مازندران در حوالی بهشهر را که بترتیب در سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۹ از دل خاک بیرون آمده است، تشریح کرده است. ۴۹.

به غیر از کاوش‌های ده کیلومتری غرب هرسین که به سرپرستی فیلیپ اسمیت استاد دانشگاه اونتاریو کانادا در منطقه گنج دره بعمل آمده و نیز کشفیات کارلتون کون ۵۰ در غار کمربندی جنوب مازندران انجام گرفته در مرحله دوم سفالگری ایران از چشمه علی تهران، زاغه‌ای در دشت قزوین و تپه سیلک کاشان سفالینه‌های تاریخی بدست آمده است (هزاره هفتم و هشتم قبل از میلاد).

از دوره بعد از آن و پیش از استفاده از چرخ سفالگری نیز سفالینه‌های با نقوش حیوانات، نقوش سمبلیک، نقوش گیاهان و نقوش هندسی کشف شده است و در هزاره چهارم قبل از میلاد، سفالگری ایران با اختراع چرخ سفالگری روبرو شده است. چرخ در نظم و شکل بخشیدن به ظروف سفالی تحول عظیمی را ایجاد کرد و

کما بیش ساخت آنها تا هزاره اول قبل از میلاد ادامه داشته است.

به غیر از گیلان، روستای کلپورگان واقع در ۳۵ کیلومتر جنوب سراوان در استان سیستان و بلوچستان از مناطقی است که اخیراً به بررسی سفالینه‌های این منطقه اقدام شده است. عمر سفالگری کلپورگان به سه هزار سال قبل از میلاد می‌رسد و شاید از مناطق عمده کشور باشد که با همان شیوه‌های سنتی قدیمی نقش‌پردازی و

و... عقیده پژوهندگان سفالگری ماقبل تاریخ ایران را با سفالگری امروز ایران پیوند می‌دهند.

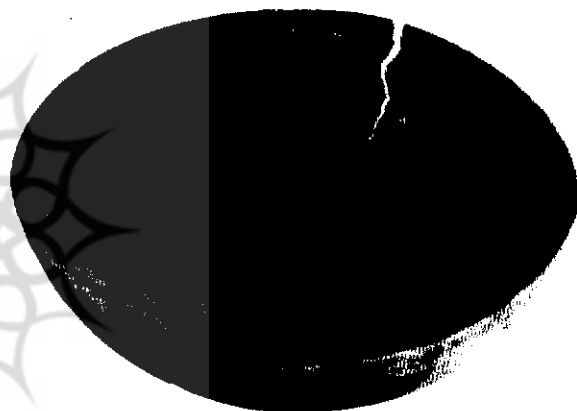
### سفالگری در دوران مادها

از سفالگری دوران مادها اطلاعات کافی در دست نداریم. دیاکونوف برای تاریخ دولت ماد دو دوره متفاوت قایل است: یکی قبل از پادشاهی بزرگ ماد و دیگری بعد از آن. او در قسمت تشریح پیشه‌ها ضمن تعریف از هنرهای بر مفرغ و آهن، از سنگتراشی و صنعت سفالینه‌سازی نام می‌برد و از سفالین منقش قبر B تپه سیلک یاد می‌کند<sup>۵۱</sup>.

بهر حال به عقیده دیاکونوف در هزاره دوم پیش از میلاد پیشرفت‌های مهمی در تولیدات و زندگی اجتماعی مردم سرزمین ماد و نواحی مجاور آن یعنی قفقاز و ایران صورت گرفته بود و... چرخ کوزه‌گری در همه جا به کار افتاده بود و در شکل ظروف و تزئینات آن و در دیگر مظاهر فرهنگ مادی تغییرات نسبتاً مهمی روی داده بود<sup>۵۲</sup>.

۳. ی «کیانی» می‌نویسد:

«کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی در مناطق باستانی مهم مانند نوشی جان نزدیک ملایر، بیستون و گیلان نمونه‌های مختلفی از ظروف سفالین این دوره بدست داده است. همچنین کاوشهای اخیر مرکز باستان‌شناسی در محوطه زیدیه کردستان نشان داده است که سفالگران این منطقه از کشور، در زمان مادها در توسعه و رواج لعاب برای پوشش ظروف سفالین پیشگام بوده‌اند؛ اگرچه استعمال لعاب در پوشش آجر در معبد چغازنبیل در قرن



ساخت سفالینه‌ها، اینک در آنجا انجام می‌شود. در این ناحیه مردان روستا، گِل را با الاغ از معدن می‌آورند و ورز می‌دهند و با سوخت‌های معمولی، سفالینه‌ها را می‌پزند و در بازارهای هفتگی انواع کاسه‌های ساده، کوزه‌های خوشرنگ و قدح‌های آب و ظروف تنقلات خود را عرضه می‌کنند. سفالگران گیلان و سیستان و بلوچستان، همدان بخصوص لالجین، شهرضا



۱۳ قبل از میلاد به کار برده شده است.<sup>۵۴</sup>

## سفالگری در عهد هخامنشیان (تا ۲۲۸ میلادی)

در قرن ششم پیش از میلاد مسیح پارس ها روی کار آمدند. هخامنشیان دگرگونی فراوانی در هنر سفالگری پدید آوردند. ماز جمله ساخت ظروف ساغرین (ریتون) و ظروفی با اشکال گوناگون از همین دوران رایج شد. شباهت های ناگزیری بین نقش های آثار قلمزنی هخامنشی و سفالگری برجای مانده. استفاده از خطوط که روی سفال می کنند (خطوط منقور) در بخشی از ظروف سفالین عهد هخامنشیان به چشم می خورد. استفاده از لعاب برای پوشش و تزیین کاخ ها و دیواره های عمارات شاهی و آجرهایی با نقش حیوانات و انسان از همین دوران متداول شده است. در پژوهشها و حفاریهای شوش، به نمونه های دلپذیری از آجرهای لعاب دار و منقوش هخامنشی برخورد می کنیم.

علیرضا حکمت درباره آموزش سفالگری در عهد هخامنشی می نویسد:

«در زمان هخامنشیان صنعت سفال سازی سیر تکاملی خود را ادامه داد و آموزش های حرفه ای مربوط به آن بیش از پیش رواج یافت. در این زمان ایران از لحاظ دانش و فرهنگ در اوج اعتلا به سر می برد. سفال سازان نیز برای عقب نماندن از این قافله تمدن مجبور بودند خود را به سلاح دانش حرفه ای مجهز سازند. روی همین اصل در این صنعت گرایشی به ساختن اشیاء سفالی

و تجملی پیدا شد که گویای مهارت تعلیمات پیشرفته آن دوره بوده است. تحول دیگری که باعث غنی تر شدن دانش سفال سازی گردید، استعمال لعاب روی آجرها و کاشی ها می باشد. چنین تحولی حرفه سفال سازی را به مراتب پیچیده تر کرد؛ چه اصول تهیه لعاب و استعمال آن بر روی سفال نوآوری مفید ولی پرزحمتی بود و تنها کسی به خوبی از عهده آن بر می آمد که دوره آموزشی عملی آن را گذرانده باشد. یکی از عواملی که بتدریج باعث رکود صنعت سفال سازی شد و به عنوان رقیبی در صحنه حیات اقتصادی آن ظهور کرد، صنعت فلزکاری بود. با مطالعه در سیر تاریخ تمدن جوامع می بینیم که از زمان پیدایش فلز، به مرور به انواع اشیاء فلزی افزوده شده و از تعداد اشیاء سفالی کاسته شده است.<sup>۵۵</sup>

گیرشمن بهر حال از واقعیت تلخی پیرامون سفالگری و عدم پیشرفت آن سخن می گوید:

«هنر هخامنشی مقید و محبوس در بار بود و نمی توانست از آزادی تعبیر برخوردار باشد<sup>۵۶</sup>، بنابراین هرگاه به اثر برجسته ای از سفال و آجرهای لعاب دار در عهد هخامنشیان برخورد می کنیم در بار و کاخهای شاهی می باشد. در تالار پذیرائی شوش که سقف آن را با تیرهایی از چوب سدر پوشانیده بودند آجرهای لعاب داری برای تزیین کاخ ها به کار رفته که بر روی آنها سربازان جاویدان نقش بسته است<sup>۵۷</sup>. آجرهای لعاب دار هخامنشی احتمالاً به وسیله صنعتگران سایر کشورها از جمله مصری به ایران آورده شده بود و یا حداقل در ایران ساخته شده بود.<sup>۵۸</sup>



کاشی لعابدار شوش با نقش سربازان جاویدان منسوب به قرن پنجم پیش از میلاد. «موزه لوور-پاریس».



نقش موزائیکی مربوط به بی شاپور کازرون — سده سوم میلادی — «موزه ملی ایران».

بهترین نمونه‌های این آجرهای لعاب‌دار متعلق به کاخ اردشیر در شوش است که ۱/۸۰ متر ارتفاع دارد. این آجرها که یک گارد شاهی را به صورت نقش برجسته نشان می‌دهد، متاسفانه از گذشته به یغما رفته و اینک در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. نقوش برجسته آجرهای لعاب‌دار شوش موضوعهای مختلفی را بیان می‌کنند. علاوه بر سربازان، نقش گاوهای بالدار، شیرها، اژدها و اسفینکس‌هایی که به طور محوری قرار گرفته‌اند، در بردارند... رنگهای عمده این آجرها به رنگ‌های سبز، زرد، سفید، آبی و سیاه می‌باشد.<sup>۵۹</sup>

### سفالگری در عهد اشکانیان (۷۸۳-۳۰۸ م)

هنر اشکانیان در دو مقطع بزرگ تاریخی قابل بررسی است: هنر باستانی پارتیان، و دیگری هنری که از دوره مهرداد دوم آغاز گردید و تأمین‌کننده ارتباط هنر هخامنشی و ساسانی است. اولین سندی که از هنر پارتها بدست آمده مربوط به پایتخت آنان در شهر «نیسا» و یا «نسا» است که در کناره صحرای قره‌قوم واقع شده بود. در قصر سلطنتی یا در سلطنتی اشیائی از سرامیک بدست آمده که ارتباط بسیار نزدیکی با آثار یونانی دارد... تکنیک سفالکاری و کوزه‌گری در دوره پارتها توسعه یافت و آثار بسیاری از این هنر بدست آمده است. از سرامیک اشکانی جام‌هایی به یادگار مانده است که تزیینات میناکاری داشته‌اند.<sup>۶۰</sup>

«کریستی ویلسن» همچنین نوشته است:

«در عهد اشکانیان، ایرانیان رابطه صنعتی با امپراطوری روم داشتند. سبک منسوجات ایرانیان در تمام ممالک شرقی «مدیترانه» مورد توجه و تقلید بود. سبک ساختمان ظروف سفالین مغرب ایران (که گبری نامیده می‌شد) در «بیزانسیوم» و پس از آن در خود ایتالیا مورد توجه قرار گرفت و تقلید شد.»<sup>۶۱</sup>

در کاوش‌های معبد آناهیتا واقع در کنگاور سفالهای خشن رنگین، کوزه‌ها، پیاله‌ها، پیه‌سوزها و محصولات سفالگری لعاب‌زده با رنگ فیروزه‌ای و سبزی‌بدست آمده است. آقای سیف‌الله کامبخش فرد در بازنشاسایی سفالگری عهد اشکانیان کمک فراوانی به تاریخ باستان‌شناسی کرده است.<sup>۶۲</sup> کتاب سفال‌سازی «دبواز» به‌رحال یکی از معتبرترین مآخذ بررسی هنر سفالگری در این عهد می‌باشد.<sup>۶۳</sup>

در زمان سلوکیان به علت عدم ثبات امنیت سرزمین‌ها، صنعت سفالگری دچار انحطاط گردیده بود و پیش از کشفیات اخیر باستان‌شناسی سفالگری دوره اشکانیان را نیز در دوره افول هنر ایران قرار می‌دانند.<sup>۶۴</sup> ولی کشفیات باستان‌شناسان ایرانی خلاف این امر را به اثبات رساند. کیانی می‌نویسد:

«تا مدتی قبل، اطلاعات ما از هنرهای مختلف دوره اشکانی ناچیز بوده و هنگامی که پوپ و گروه همکاران وی مشغول تدوین کتاب «بررسی هنر ایران» بودند، هنوز شهرهای مهم اشکانی ناشناخته مانده و بررسی نشده بود. در واقع سه دهه گذشته بود که چند شهر مهم اشکانی مانند نسا و دوراورپوس که به ترتیب در شرووی و سوریه

واقع شده‌اند، مورد کاوش و تحقیق قرار گرفته و در سالهای اخیر نیز بررسی و کاوش در مناطق دیگر دوره اشکانی مانند کنگاور، شهر قوس، گیلان و سیستان و بلوچستان و چند شهر و قلعه در منطقه گرگان آغاز گردیده است... کاوش و بررسی در شهرهای یاد شده اطلاعاتی از هنرهای مختلف از جمله صنعت سفال سازی را بدست داده است»<sup>۶۵</sup>

با توجه به سفالهای یافته شده دوره اشکانی می‌توان فهمید ظروف، کاسه‌ها، خمره‌ها و... سفالین این دوره به سفالهای بی‌لعباب و با‌لعباب با رنگهای قرمز، خاکستری، نخودی، لعباب قلیائی که برای سفال سفید ساخته می‌شد، متداول بوده است. ساخت تابوتهای سفالی لعابدار برای تدفین مردگان رواج داشته است. «نیازمند»<sup>۶۶</sup> می‌گوید در دوره سلسله «هان» در چین (۲۰۶ قبل از میلاد - ۲۲۰ م) ظروفی پیدا شده که لعاب سبز داشته و شباهت به سفالینه‌های اشکانی دارند و فرض آن است که این صنعت از ایران به چین رفته باشد.

توجه استاد مهدی بهرامی با توجه به زمان آغاز روابط تجاری ایران با چین در عهد سلسله «هان» و رونق جاده ابریشم بعید به نظر نمی‌رسد؛ بخصوص که از ۱۲۵۰ قبل از میلاد استعمال لعاب بر روی پیکره‌های شوش به صورت ضخیم و پربار رایج بوده است<sup>۶۷</sup>.

بهرحال از آثار بدست آمده از شوش می‌توان نتیجه گرفت: در عهد اشکانی هنر سفالگری خود را از قیود مختلف هنر هلنیسم یونانی رها نید و به

هنر خالص و سنتی ایران گرایش یافت و کم‌کم از فرات تا چین و از سیبری تا هند و از فلاتهای مرتفع مغولستان تا بسفور گسترده شد.<sup>۶۸ و ۶۹</sup>

### سفالگری در دوران ساسانیان (۱۲۰۱-۷۸۳ م.)

هرچند عهد ساسانیان، «عصر زرین فرهنگ ایران» نامگذاری شده، معهذاً در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت حداقل هنر سفالگری به همان شیوه‌های دوره اشکانیان به حیات خود ادامه داد. سفال عهد ساسانی عموماً شامل کاسه، کوزه، خمره، مجسمه، قمقمه آب بود که کوزه‌ها، خمره‌ها و کاسه‌ها از گِل سرخ‌فام و به صورت خشن ساخته می‌شد. ظرفهای این عهد دارای لبه‌های برگشته بوده و از ضخامت زیادی برخوردارند و با نقوش کنده کاری شده، هندسی و گیاهی و گهگاه با خطوط پهلوی باستان‌ترین شده‌اند. نمونه‌های متعددی از ظروف سفالین بی‌لعباب از بی‌شاپور، کنگاور، سیراف، تورنگ‌تپه، تخت سلیمان، غبیرا در کرمان، و دشت گرگان بدست آمده است.

ساخت سفالهای لعابدار که از عهد اشکانی آغاز شده بود، در عهد ساسانی نیز همچنان ادامه یافت. لعابهای سبز فیروزه‌ای، آبی فیروزه‌ای در نقوش برجسته و نیز مجسمه‌ها و آدمک‌های گلین و حیوانات این دوره به چشم می‌خورد و این لعاب‌های آبی و سبز فیروزه‌ای بعدها در دوران اسلامی، حیات تازه‌ی را آغاز کردند<sup>۷۰</sup>.

ساخت کوزه و گلدان‌های بی‌لعباب و ساده در این دوره بیشتر متداول بوده. دسته‌های



از تکه سنگ های استوانه ای شکل ریزه رنگ های سفید و آبی - ارتفاع ۱۷ سانتی متر، قطر ۷ سانتی متر -

جام موزائیک:



هلال‌های بهم پیوسته و یا طرح ناقص حیوان و انسان تشکیل می‌داد. سفالهای قالب‌زده ترنج‌های مروراید با گلبرگ‌های ساسانی و مرغ را شامل می‌شوند و در سفالهای نقش افزوده، نقوش به طور جداگانه تهیه و بر جداره سفال افزوده شده‌اند.

ظروف لعابین سفال نیز به لعاب‌دار ساده، لعاب‌دار با نقش‌کننده کاری شده، لعاب‌دار رنگین و غیره تقسیم می‌شوند.<sup>۷۴</sup>

عمودی، هلالی و دهانه‌های فراخ انواع سفالهایی که که از نیشابور و شوش بدست آمده، نمونه‌های ارزنده از سفالهای بی‌لعاب شمرده می‌شوند.

استاد بهرامی سفالهای بی‌لعاب را به سفالهای مخطط<sup>۷۱</sup>، سفالهای با نقش قالب‌زده<sup>۷۲</sup>، سفال با نقش افزوده<sup>۷۳</sup> تقسیم‌بندی کرده است. ساخت سفالهای مخطط تا قرن چهارم هجری ادامه داشته و نقوش آن را اشکال هندسی، خطوط شکسته متوازی و یا نیم

«محمود ماهر نقش» می نویسد:

«در دوره ساسانیان دوباره هنر قدرت گرفت و به بخش هایی از عظمت خود دست پیدا کرد و آثار بعد از هخامنشی را بوجود آورد و آن کاخ های عظیمی بود که به دست توانای معماران چیره دست بنا گردید. این آثار هنوز در فارس، کرمانشاه و بین النهرین خودنمایی می کنند.»<sup>۷۵</sup>

به نظر ما، نقش هنر ساسانی فراتر از چهارچوب تمدن و فرهنگ ایران زمین بود. این هنر علاوه بر رونق و شکفتگی در داخل کشور به هنرهای کشورهای مجاور نیز اثر گذاشت و آثاری را به یادگار نهاد. همان طوری که گفتیم به علت شکوفایی هنر قلمزنی و نقره کاری و فلزگری، به سفالگری در آن عهد کمتر توجه شد. معهذاً ساخت انواع سفالینه های لعاب دار و بخصوص انواع کاشی در ایران معمول شد. برای دوام بیشتر آثار گچ بری، لعابی از کتیرا، نشاسته و شیر تهیه شده و بر روی دیوارها کشیده می شد و این روش های لعابین با موزائیک های کاخها و ایوانهای شاهان هماهنگی کامل داشت. تمدن بیزانس از میراث هنری ایران به ویژه در بافت پارچه، سفالگری و کاشی سازی چیزهای فراوانی آموخت و در دوره های بعدی رنگ و بوی هنر ایرانی را حفظ کرد<sup>۷۶</sup>. هر چند قلمزنی و رشد فلزکاری که سبب تزیین بیشتر اشیاء، تجمل و زیبایی دست ساخته های عهد ساسانی گردیده، اما نباید مردم عادی را به فراموشی بسپاریم که بدور از تجمل و زیباپرستی، بخاطر کیفیت قابل دسترس و رفع نیازهای اولیه، هنوز از سفال سود

می جستند. ساخت ظروفی با طرح های سرگاو و ماهی و تزیین آنها با نقش های برجسته، هنرمندان سفالگر ساسانی را از عهدهای هخامنشی و پارتی ممتاز کرده است<sup>۷۷</sup>.

تحلیل کلی رمان گیرشمن بیانگر این مطلب است که در آغاز دوران ساسانی (سده سوم میلادی) و از پادشاهی اردشیر اول (۲۴۱-۲۲۴) تا سده های ۱۰-۸ میلادی که تمدن ایران، بیزانس و اسلام به تدریج انگیزه ای برای پیشرفت هنرهای سنتی جهان شدند در کاخها و معابد فیروزآباد، تیسفون و بی شاپور موزائیک کاری جهت پوشاندن کف و یا استفاده های معمولی متداول بوده و همزمان با ساخت شیشه های رنگین، سفالینه های لعابدار، جای ویژه ای داشتند. در پایان دوران ساسانی بود که سفالینه های معروف مینائی چند رنگ با نقوش تزیینی و هندسی به دست سفالگران مبتکر جای خود را در عالم هنر باز کردند<sup>۷۸</sup>.

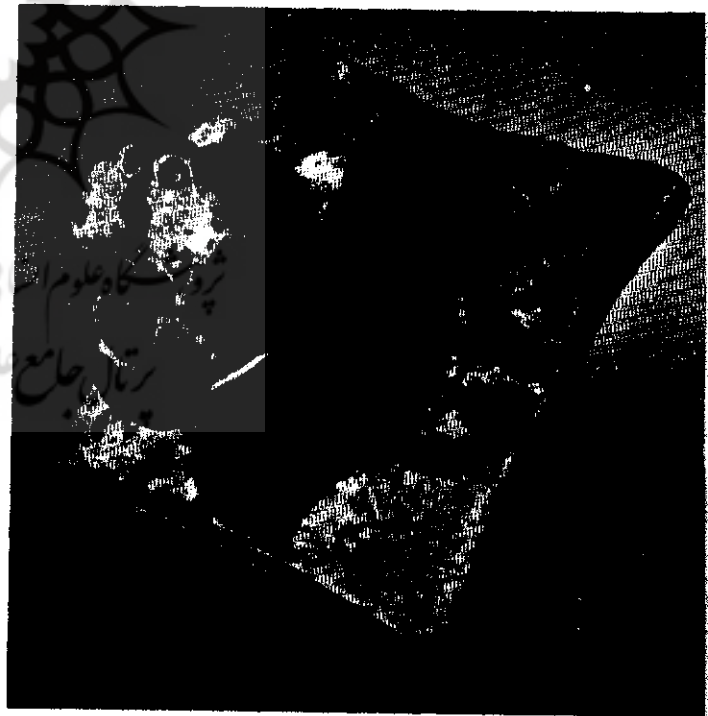
فن لعاب دادن اشیاء سفالی از دو هزار و نهصد سال پیش در ایران شناخته شده بود<sup>۷۹</sup>، منتهی عمومیت نداشت. قبلاً گفتیم که قسمت های مهمی از دیوارهای کاخهای شاهان هخامنشی در تخت جمشید و شوش با آجرهای لعابدار پوشانده شده بود. عدم توجه پادشاهان هخامنشی و ساسانی به فن لعاب کاری سبب این امر نشد که تکمیل فن لعاب کاری به فراموشی سپرده شود، لذا پیش از آغاز اسلام ظرف های گلی لعابداری را می یابیم که در اکثر نقاط ایران رایج بوده و بعدها رنگ های نقره و سبز فام بخود



گرفت. پیش از دوران ساسانیان، جنس لعاب ایرانی مرغوب نبود و استحکام زیاد نداشت و نقش و نگاری بر آن آورده نمی شد. در اواخر دوره ساسانی ساخت لعاب رو به تکامل گذارد تا این که در قرن سوم هجری در شهر نیشابور ساخت ظروف لعابدار زیبا رایج گردید.<sup>۸۰</sup>

«ریچارد فرای» در تجزیه و تحلیل هنرها و پیشه های عهد ساسانی و اسلامی با پیچیدگی خاصی مسأله سفالگری، آغاز لعاب، پیوند سفالگری ایران با کشورهای مختلف را بدون استناد به نمونه های خاصی مطرح می سازد. بهر حال برداشت پیچیده و غامض وی، فقط پیوند شرق و غرب و ارتباط کمرنگی از این هنر را با دوره های اسلامی مطرح می سازد.<sup>۸۱</sup>

قطعه کاشی زینتی کله شیر با لعاب زنگاری - مکتوبه از تپه حسنلو «موزه ملی ایران».



از سفالپزی عهد ساسانی هم مدارکی بدست آمده است. کوره ها عموماً از روی زمین ۲/۵۰ متر ارتفاع داشت، دوردور آنها را طاقچه و پلکانهای متعدد فرا گرفته بود. طاقچه های درونی کوره محل چیدن سفالینه ها بوده و در آنها سفالگر قادر به پخت ۱۶ کوزه متوسط بود. ابتداء کوره به مدت هشت ساعت روشن می شد و بعد از خاموش شدن به مدت ۴۸ ساعت در کوره بسته می ماند. ظروف زرد پس از پخته شدن سبز و رنگ خاکستری تبدیل به آبی می شد. خار مغیلان و چوب سفید، سوخت اصلی این کوره ها بوده است. در این کوره ها سفالهای هفت رنگ، لعابدار و موزاییک برای فرش کردن اماکن پخته می شد. برای ساخت ظروف لعابدار از شن های آسیاب شده بستر رودخانه ها که به صورت پودر درآمده بود و ماده ای دیگر<sup>۸۲</sup> استفاده می کردند. برای ساختن سفالهای هفت رنگ از ۹۰ تا ۹۵ درصد از گِل خالص استفاده می شده است.<sup>۸۳</sup>

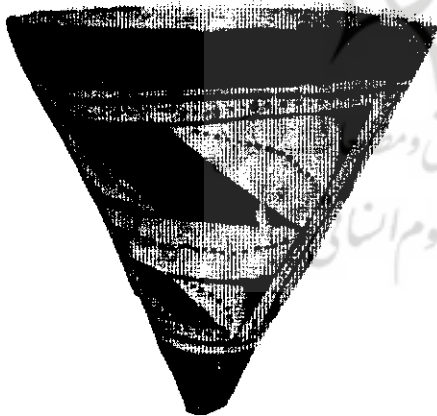
موزه ایران باستان بعد از انقلاب اسلامی، تعدادی از سفالهای عهدهای مختلف از جمله ساسانی را از مجموعه های خصوصی به موزه انتقال داده است. در جزوه منتشره از شماره ۲۵۴-۲۴۳ نمونه هایی از انواع تنگ ها، پیاله ها و گلدانهای عهد ساسانی را معرفی نموده که به نظر می رسد در بین مردم عامی کاربرد داشته است. در کنار مجموعه های سفالین متعلق به این مردم که به موزه ایران باستان برگردانده شده، میلیون ها قطعه اثر هنری از جمله آثار سفالین رهسپار خارج شده است. بررسی این آثار به یغما رفته بجز دریغ در پی ندارد.<sup>۸۴ و ۸۵</sup>

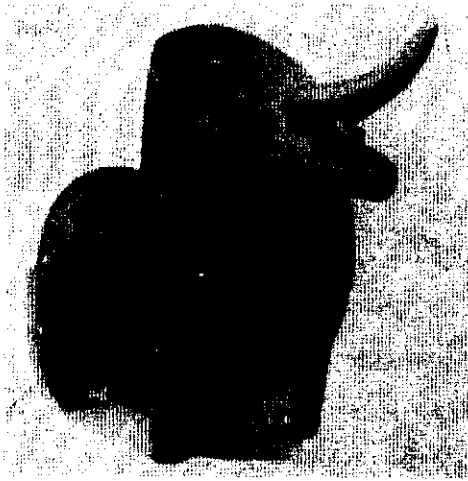
دربارهٔ حراست و حفاظت آثار سفالینه‌های گذشته نوشته‌ها و کتب زیادی منتشر شده است ولی هیچیک از آنها از سرقتهای انجام شده دربارهٔ هنر سفال و کاشی و سرامیک سخنی به میان نیاورده‌اند. آنچه که مسلم است یغماگران که تحت عنوان باستان‌شناسان و مستشرقین و... به ایران می‌آمدند، بیشتر از هر چیز موفق شده‌اند آثار سفالین و قلمزنی را با خود برده و به مجموعه‌های خصوصی و گنجینه‌های موزه‌های اروپا و امریکا بفروشدند.

نگارنده در موزهٔ لوور و بریتیش میوزیوم لندن با حسرت تمام شاهد آثار سرامیک و سفالینه‌هایی بوده است که به درستی از یغمای آن خیر نداشتند. جای تأسف فراوان دارد درحالی‌که حتی یک درصد از مردم این سرزمین، آثار هنری خود را ندیده‌اند، دولتمندان گذشته آثار هنری ما را دوره به دوره برای نمایشگاههای خارج می‌فرستادند. از آثار سفالین معاصر که ظاهراً ضمن حمل و نقل شکسته و یا به میهن اسلامی برنگشته است اسنادی در اختیار نگارنده می‌باشد و برای اطلاع بیشتر علاقه‌مندان را به مآخذ زیر ارجاع می‌دهم. ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰

پیش از آن که سفالگری و کاشیکاری را در دوره‌های اسلامی مورد بحث قرار دهیم، مجبوریم به این نکته اشاره نمائیم که سفالسازی دورهٔ ساسانی از لحاظ نقوش و طرح و لعاب‌سازی بر روی سفالهای دورهٔ اسلامی تأثیر فراوان گذارد ولی در مقایسهٔ واقعی، دورهٔ اسلامی هنر سفالگری نسبت به سفالگری دورهٔ ساسانی

هرچند که به آسانی قابل توجیه نیست اما می‌توان گفت پیشرفت فراوانی از نظر ساخت و رنگ‌آمیزی یافته است. در دوره‌های اسلامی نقوش آثار فلزی در سفالها به اجرا درآمد و این تصور غلط را پدید آورد که زرتشتیان این آثار را ساخته‌اند و بهمین جهت گروه خاصی از این گونه سفالها را «گبری» نام نهادند. بهرحال نمونه‌های سفال گبری به‌طور کلی روش‌های سفالگری ساسانی را بیاد می‌آورد. نقوش تزیینی در سفالگری ساسانی نیز در دوره‌های آغازین اسلام به ارمغان رسید. انواع طرحهای اولیهٔ اسلیمی، حیوانات بالدار، پرنده‌گان افسانه‌ای، عقاب معروف ساسانی در آثار اسلامی به وفور ظرف سفالی منقوش - مکشوفه از نزدیک تخت جمشید (حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد)





مجسمه سفالی مکشوفه در مارلیک



یافت می شود. در کتاب «تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی» آمده است:

«در دوره ساسانی کاشی معرق و یا موزاییک مرغوبیت فوق العاده ای پیدا کرد. مواد اولیه و فن موزاییک سازی نیز خویشاوند سفال سازی است و مانند کاشی بیشتر در تزئین بناها به کار می رود. ولی طرز کار قدری متفاوت است؛ بدین معنی که در این طریقه قطعات کوچک به شکل و اندازه ای مختلف بریده و در سطح مورد نظر و در کنار هم نصب می شود. موزاییک در بناهای ساسانی بخصوص کاخ بی شاپور و کاخ بیستون بکار رفته و در کاخ بی شاپور کف سه ایوان که روبه حیاط آن باز می شده، سنگ فرش شده است... نقوش این موزاییک ها که قسمتی در موزه لوور پاریس و قسمتی در موزه ایران باستان می باشد، عبارت از زنان بافنده و حامل گل، چنگ زن و غیره... است. قطعات این موزاییک به رنگهای نارنجی، قهوه ای، قرمز، زرد، شیری، گلی، سیاه، آبی، یشمی و خاکستری صورت گرفته و دلیل کار دقیق و تنوع رنگهای معمول در دوره ساسانی می باشد.»<sup>۹۱</sup>

اسناد دیگری در دست است که ساسانیان موزاییک های تزئینی را از کشورهای دیگر می آوردند. موزاییک را از سنگ و شیشه می پختند و رنگهای زیبایی داشت<sup>۹۲</sup>.

نتیجه ای که از بررسی هنر سفالگری ساسانی می گیریم قول «آرتور اِبهام پوپ» است که می گوید:

«همیشه در تاریخ هنر، هر وقت فلزکاری رونق و رواج می گیرد و به درجه عالی

می‌رسد، هنر سفال لعابی تنزل می‌کند. در این دوره‌ها چون حمایت و تشویق طبقات عالی متوجه فلزکاران می‌شود، کاشی‌گران ناچار ظرف‌های ساده‌تر و ارزان‌تر می‌سازند که به کار طبقات دیگر بیاید. این اصل کلی دربارهٔ سفال‌سازی ساسانی نیز صادق است...»<sup>۹۳</sup>

«هانری ماسه» نیز نه تنها نامی از سفالگری

عهد ساسانی نمی‌برد بلکه اصولاً هنر ساسانی را نه بهترین و نه ایرانی‌ترین می‌داند و اصولاً ابتکار و اختراعی در آن نمی‌یابد، که این امر نوعی تنگ‌نظری است<sup>۹۴</sup>.

بهرحال با ورود اسلام فصل تازه‌ای در هنر سنتی سفالگری، کاشی‌کاری و سرامیک‌سازی ایران آغاز شده

### منابع:

۱. Ceramic در این مقاله مفهوم عام و جهانی واژه مورد نظر است.
۲. مصاحب، غلامحسین: دایرةالمعارف فارسی. جلد اول. تهران. فرانکلین. ۱۳۴۵. ص ۱۲۹۹.
3. Jay Gluck
۴. گلاک، جی: سیری در صنایع دستی ایران. تهران. بانک ملی ایران. ۱۳۵۵ (۲۵۳۵). ص ۴۱.
۵. «موريس دوما» یا «موريس داماس»، پروفیسور افتخاری کنسرواتوار ملی پیشه و هنر فرانسه است.
۶. دوما، موريس. تاریخ صنعت و اختراع. مترجم: عبدالله ارگانی. تهران. امیرکبیر. ۱۳۶۲. ج: ۱ «مبانی تمدن صنعتی» ص ۹۴ و ۹۶.
۷. ادیبی، حسن. زمینهٔ انسان‌شناسی. تهران. پیام. ۱۳۵۳. ص ۱۳۱-۱۳۰.
8. Pierre Rousseau
۹. عصر حجر جدید یا عهد حجر صیقلی Néolithique
۱۰. روسو، پی‌یر. تاریخ صنایع و اختراعات. مترجم: حسن صفاری. تهران. امیرکبیر. ۱۳۴۶. ص ۳۰-۲۹.
11. Herbert Read
۱۲. رید، هربرت. معنی هنر. مترجم: نجف دریابندری. تهران. کتاب‌های جیبی. ۱۳۵۲. ص ۲۳.
۱۳. گلاک: پیشین. ص ۴۱.
۱۴. مصاحب: پیشین. ص ۱۲۹۹.
۱۵. دوما: پیشین. ص ۱۹۶.
۱۶. بهرامی، مهدی. صنایع ایران. ظروف سفالین. تهران. دانشگاه تهران. ۱۳۲۷. ص ۳.
۱۷. بهرامی: پیشین. ص ۳.
18. Megara Hyblaea
19. Period
۲۰. دوما: پیشین. ص ۲۳۳-۲۳۲.
۲۱. بهرامی: پیشین. ص ۴.
۲۲. دوما: پیشین. ص ۲۳۳.
۲۳. مصاحب: پیشین. ص ۱۲۹۹.
24. Arezzo.
25. La Graufesenque.
26. Lezoux.
27. Visigothic.
28. Cadiz
۲۹. دوما: پیشین. ص ۲۶۲-۲۶۱.
۳۰. راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران. تهران. امیرکبیر. ۱۳۵۴. جلد اول. ص ۲۷۷.

۳۱. سرامیک زاین در گذرگاه زمان. ترجمه: هادی دستیاز. تهران. سازمان صنایع دستی ایران. مجله دستاورد. سال اول. ۱۳۵۷. ص ۷ و ص ۲۸.
32. Lungshan.
33. Kassites.
۳۴. بهرامی، مهدی. پیشین. ص ۶.
35. Kingtechen.
۳۶. کوره‌هایی از گل بود که سفال و چینی، بدون آن که در معرض مستقیم آتش قرار بگیرند، پخته می‌شدند.
۳۷. سفال‌هایی که یک بار به طور خام پخت می‌شوند و بار دیگر بعد از لعاب‌زنی به کوره فرستاده می‌شوند.
38. Hung Wu.
۳۹. دوما: پیشین. «نقل به اختصار» ص ۳۰۸-۳۰۶.
40. Aztec.
41. Inca.
42. Maya.
43. chavin.
۴۴. برای کسب اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: دوما، موریس: پیشین. ص ۴۴۸-۴۴۴.
45. Ravenna.
46. SgrafFito.
۴۷. باختران کنونی.
۴۸. گیانی، م. ی. سفال ایرانی. تهران، نخست وزیری. ۱۳۵۷. ص ۱۱.
۴۹. گیانی، م. ی. پیشین. ص ۱۱.
50. Carleton, S.Coon
۵۱. دیاکونوف، ا. م. تاریخ ماد. ترجمه: کریم کشاورز. تهران. پیام. ۱۳۵۷. ص ۳۳۵ و ۳۳۹ و ۳۳۳.
۵۲. دیاکونوف: پیشین. ص ۱۶ و ۱۲۷.
۵۳. گیانی: پیشین. ص ۱۳.
۵۴. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره سفالینه‌های عهد ماد مراجعه کنید به کتاب: نقوش زینتی در ایران باستان از کهن‌ترین زمان تا دوره مادها. از جلیل ضیاءپور. تهران. اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر. ۱۳۵۳.
۵۵. حکمت، علیرضا: آموزش و پرورش در ایران باستان. تهران. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. ۱۳۵۰. ص ۲۴۴.
۵۶. راوندی، مرتضی: پیشین. ص ۵۰۲.
۵۷. دیون سمر. آ. تمدن ایرانی. تهران. نگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۴۶. فصل سوم: ایران هخامنشی. ص ۷۸.
۵۸. گذار، آندره. هنر ایران. تهران. دانشگاه ملی ایران. ۱۳۵۸. ص ۱۶۹-۱۳۴.
۵۹. براد، ایدت. هنر ایران باستان. ترجمه: یوسف مجیدزاده. تهران. دانشگاه تهران. ۱۳۵۷. ص ۲۱۶ و ۲۲۸.
۶۰. تاریخ و فرهنگ ایران در زمان اشکانیان. تهران. وزارت فرهنگ و هنر. اداره کل نگارش. تهران. ۱۳۵۵. مقاله «غلامرضا سلیم»: هنر پارت و ریشه‌های آن. ص ۶۹-۶۲.
۶۱. تاریخ و فرهنگ ایران در زمان اشکانیان. پیشین: جلیل ضیاءپور: پوشاک و هنر تصویری ایرانیان در زمان اشکانیان. ص ۸۵.
۶۲. تاریخ و فرهنگ ایران در زمان اشکانیان. پیشین: سیف‌اله کامبخش فرد. نتایج سه ساله کاوش‌های معبد آناهیتا. ص ۹۴.
63. Debevoise, N.C. Parthia Pottery From Selucia: ann Arbor. 1937.
۶۴. حکمت، علیرضا: پیشین. ص ۲۴۶.
۶۵. گیانی، م. ی. پیشین. ص ۱۴-۱۳.
۶۶. نیازمند، زر. ایران‌شهر. تهران. یونسکو. ج ۲. ص ۱۸۱۸.
۶۷. بهرامی، مهدی: پیشین. ص ۶.
۶۸. راوندی، مرتضی: پیشین. ص ۶۰۴.
۶۹. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب: هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی. رمان گیرشمن. تهران. نگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۵۰. مراجعه شود.

۷۰. کیانی، م. ی: پیشین. ص ۱۴.
71. Incisé
72. Moufè
73. Barbutine
۷۴. بهرامی، مهدی. پیشین. ص ۵۵-۴۵.
۷۵. ماهرالتقش، محمود. طرح و اجرای نقش در کاشیکاری ایران. تهران. مؤسسه رضا عباسی. جلد اول. ۱۳۶۱. ص ۱۳.
۷۶. راوندی، مرتضی: پیشین. ص ۷۵۸ و ۷۶۰.
۷۷. حکمت، علیرضا. پیشین: ص ۲۴۶.
۷۸. گیرشمن، رمان. هنر ایران در دوران پارتنی و ساسانی. ترجمه: بهرام فره‌وشی. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۵۰. ص ۲۵۳-۲۵۲.
۷۹. سابقه لعاب‌سازی در ایران به ۱۲۶۵ قبل از میلاد می‌رسد. براساس کاوش‌های باستان‌شناسی از چغازنبیل نزدیک هفت تپه خوزستان مدارکی در زمینه لعاب‌سازی در آن عهد به دست آمده است (به نقل از مرکز باستان‌شناسی ایران).
۸۰. بهنام، عیسی. پیشین. ص ۲۰۱.
۸۱. فرای، ن. و ریچارد. عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه: مسعود رجب‌نیا. تهران. سروش. ۱۳۵۸. ص ۲۰۰-۱۹۸.
82. Fragacant
۸۳. کامبخش فرد، سیف‌اله، کاوش‌های نیشابور و سفالگری ایران. با همکاری امیر ماهانی. تهران. فرهنگ و هنر، ۱۳۴۹. ص ۱۸.
۸۴. راهنمای نمایشگاه اشیاء باستانی. تهران. مؤسسه ایران باستان. ص ۲۵۴-۲۴۳.
۸۵. مثلاً نگاه کنید به فصل ۲۱ کتاب: مسیر فرهنگ ایران در بریتانیا. ابوالقاسم طاهری. تهران. انجمن آثار ملی ایران. ۱۳۵۲. ص ۴۸۷-۴۵۵.
۸۶. افسر، کرامت‌الله، موسوی، سیداحمد، پاسداری از آثار باستان در عصر پهلوی. تهران. فرهنگ و هنر. اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران. ۱۳۵۵. ص ۳۸۷.
۸۷. بنیاد و گسترش موزه در ایران. تهران. فرهنگ و هنر. اداره کل موزه‌ها. ۱۳۵۵. ص ۲۶۶.
۸۸. نمایشگاه آثار هنری ساسانیان در نیویورک. مجله مرزهای نو. ۱۳۵۷. سال پنجم. دوره ۲۲. ص ۱۸.
89. Gallet, Michel. The Louvre, Paris, F. Hazan, Vilo, 1960. p. 12-13.
90. Francis, Frank. British Museum. London, Thames and Hudson. 1971. p. 247, 291, 315.
۹۱. زمانی، عباس. تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی. تهران. فرهنگ و هنر. اداره کل نگارش. ۱۳۵۵. ص ۲۱۴-۱۹۹ «به اختصار».
۹۲. تاریخ و فرهنگ ایران در زمان ساسانیان. تهران. فرهنگ و هنر. اداره کل نگارش. مقاله ادیب‌الدین کسروی: خوزستان در زمان ساسانیان. ص ۲۵۱.
۹۳. یوب، آرتور. ابهام. شاهکارهای هنر ایران. تهران. فرانکلین. ۱۳۳۸. ص ۵۷.
۹۴. تمدن ایرانی. ترجمه عیسی بهنام. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۴۶. فصل چهارم. ایران ساسانی. ص ۲۰۱-۱۳۵۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی